کتابخانه



رمان

« ۱ »

چرا دانا دروغ پردازد یا بخواندن دروغ عمر خود را تباه سازد؟!

از عادت هائی که از اروپا نزد ما آمده یکی هم رمان نویسی و رمان خوانی است. تا دیر زمانی رمانها بزبان های اروپائی می‌آمد و کسانی که آشنای آن زبانها بودند می خواندند. سپس دوره ترجمه رسید و رمان هایی بزبان عربی یا فارسی یا بدیگر زبان های شرقی ترجمه گردید. سپس هم رمان نویسان از خود شرقیان در هر کجا پدید آمدند.

اکنون هم رمانها بزبانهای اروپائی در همه جا پراکنده است هم ترجمه های فراوانی از آنها چاپ یافته وجی یابد و هم کسان بسیاری برمان نویسی یا بعبارت بهتر بدروغ پردازی و افسانه بافی بر خاسته اند.

هر روز نامه ای که بدست میگیری رمانی در پاورقی خود دارد وچه بسا که ستونهای دیگر خود را نیز باو رمان پر می کند، بهر کتابخانه ای که میروی بیش از هر کتابی رمان در قفسه ها چیده است، فهرست هائیکه کتابخانه های مصر و سوریا چاپ کرده می فرستند قسمت رمان آن بیشتر ازدیگر قسمتهاست. مرا حیرت گرفت هنگامی که درجائی همچون لاهیجان کتابخانه ای دیدم وسراسر کتابهای آن را جز رمانهای چاپ شده در تهران نیافتم تو گوئی در ایران مولفی جز رمان نویس نبوده واین سرزمین از قرنها کانون افسانه بافان ودروغ پردازان بوده است!

اروپائیان سودهائی را برای رمان می شمارند بلکه مدعی اند که میتوان از اینراه مردم را برای پاکدلی ودرستکاری بر انگیخته اخلاق آنان را تصفیه نمود. میگویند: « رمان آئینه ایست که عیب مردمان را روبرو گفته ایشانرا بعیبهای خود آشنا میگرداند » . « رمان چون شیرین است وهرکسی آنرا میخواند در این میان میتوان هر گونه پند و اندرزی را بگوش مردم کشید » .

در اروپا رمان نویسان شهرت بسیار دارند ورمان نگاری خود شاخه ای از ادبیات آنجاست وچنانکه عادت اروپائیان است که برای هرکاری درس و مدرسه بر پا میکنند رمان نویسی را نیز در مدرسه ها بشاگردان یاد میدهند.

باهمه اینها من رمان راکار بیهوده میدانم و نوشتن وخواندن آن را جز تباه ساختن عمر نمی شناسم. من افسوس دارم که بیهوده کاریهای غرب باین آسانی در شرق رواج می یابد ودر اندک زمانی بهمه جا میرسد. اروپا هرچه میگوید بگوید وهرچه میکند بکند. برای نیك وبد هر چیز باید سود وزیان آن را در ترازوی خرد سنجید واز رمان ما جز زیان نتیجه دیگری سراغ نداریم.

بگویند که مقصود از رمان چیست؟..

اگر مقصود افسانه بافی است و کسانی می خواهند افسانهائی بافته وبدست مردم داده آنان را سر گرم دارند باید گفت که افسانه شایسته بچگان است نه سزاوار مردان. آدمی تا خرد سال است از نقل وافسانه لذت میبرد. ولی چون بزرگ شد وبسال مردی وخردمندی رسید دیگر سر بافسانه فرو نمی آورد واز شنیدن وخواندن آن نفرت می نماید. مگر کوتاه خردانی که در پنجاه سالگی نیز کودك اند و درپای معرکه درویشان نشسته گوش بافسانهای ایشان میدهند.

یا اگر مقصود نوشتن داستانی است که خوانندگان عبرت آموزند و پند یاد بگیرند این درست است که آدمی از شنیدن وخواندن داستان های شگفت عبرت آموخته پند یاد میگیرد. بویژه اگر داستان شامل دلیریها وجانبازیها ویا پاکدلی ها باشد که بی شك شنونده را شیفته خود ساخته دل اورا تکان میدهد. لیکن این درجائی است که آن داستان راست باشد یا اگر دروغ است باری شنونده آن را راست پندارد. داستانی که خواننده میداند سر تا پا دروغ وپندار است از شنیدن یا دانستن آن چه اثری درو پیدا خواهد شد؟!

هـ کسی پاك مردی را دید دل باو میدهد وچه بسا که ازهرچیزی دست کشیده سر در پی آن می گذارد ولی آیا شدنی است که کسی در دل خود پاکمردی پنداشته وبهمان مرد پنداری که جز در اندیشه او جا ندارد دل بسته ونیروی او را به پذیرد؛ یاباور کردنی است که مردی صورت زن زیبائی را بر دیوار نگاشته و بر آن صورت که جز نقش بر دیوار نیست عشق ورزیده دل خود را در راه مهر او بـه گدازد؟!

داستان آن مکتب دار عرب معروف است که روزی از زبان رهگذری شنید که آواز میخواند واشعاری در ستایش « ام عمرو » میسرایید. مکتب دار نه از یکدل بلکه از هزار دل عاشق ام عمرو شد واز تاب فراق آرام نداشت دل میگداخت وجگر کباب میشد وفریاد رسی نبود. تا پس از چند روزی ناگهان ازز بان دیگری شنود که این شعر را میخواند.

لقد ذهب الحمار بام عمرو
فلا رجعت و لا رجع الحمار

معنی آنکه: «خر ام عمرو را برد که نه او باز گشت ونه خر باز گردید» بیچاره ازشنیدن این شعر که خبر کشتن معشوقه او را میداد بیکبار از پای افتاده رشته تاب وشکیبائی را از دست هشت. کو یارائی که بکاری برخیزد؟! درخانه نشسته بسوگواری پرداخت

این مردرا از ابلهان شمارده اند. برای اینکه ازخرد دور است که کسی بزنی نادیده پنداری دل بازد و از خبر کشتن اوبسوگواری برخیزد. پس کسانی که افسانه ها بافته و امید وارند که خوانندگان از داستان دروغ و پنداری آنان عبرتی بر گیرند خود ابلهانی بیش نیستند.

از پندار تا بودن فرسنگها راه است اینهمه چیز هـای شگفت که ما در خواب می‌بینیم وتماشاهائی که می‌کنیم آیا چه اثری در دل ما میگزارد؟! آیا کسی از دیدن زن زیبائی در خواب عاشق او شده؟ آیا کسی از دیدار پاکمردی در خواب باو گرویده؟! آنچه ما درخواب می بینیم تا در خوابیم وآنرا راحت می انگاریم اثری در دل ما دارد وهمین که بیدار شده دانستیم که آنچه دیدیم جز پندار و خواب نیست بیك ناگاه همه آن اثرها ناپدید میگردد.

آیا میتوان گنجی رایراز درو گوهر پنداشته وآن را مال خود دانسته واز این پندار وفرض شادمان بود و همچون توانگران گنجینه دار تبختر و خود فروشی بخرج داد؟! اگـر از پندار کـاری ساخته میشد هر گرسنه ای خود را سیر مینداشت و باشکم تهی میساخت.هر برهنه خویشتن را در درون جامه‌های ابریشمی دانسته و از گرما و سرما آزرده نمیشد.

کوتاه سخن: افسانه بافتن بایستی قصد که مایه عبرت خوانندگان باشد و کسانی از مطالب آن عبرت گیرند و پند بیاموزند جز ابلهی نیست. داستانی که میتواند مایه عبرت خوانندگان باشد آن داستانی است که بتوان آنرا در ایـن انجمن و آن انجمن باز گفت و بدان نازید. آیا افسانه‌ای را که فلان رمان باف از پندار خود پرداخته میتوان در بزمی یا انجمنی باز گفت و بدان نازید؟! اگر کسی چنین کاری کرد آیا مردم بنادانی او نمی خندند و اورا دیوانـه نادان نمیشمارند؟! داستانی را که نتوان در جائی نقل کرد چگونه میتوان شیفته آن گردیدو ازآن عبرت و پند آموخت؟!

رستم و سهراب را تا مردم راست میپنداشتند داستان دلاوریهای آنان اثری داشت و شنوندگان را به پهلوانی بسر می انگیخت. ولی امروز که ما آن داستان را افسانه می‌شناسیم آیا باز اثری در ما دارند؟ آیا کسانی تا کنون از داستان حسین کرد و نوش آفرین وشاهزاده بختیار عبرتی برداشته یا پندی آموخته اند؟! پس از رمان چه عبرتی میتوان آموخت؟!..

شاید بگویند مقصود از رمان آنستکه چون پند واندرز تلخ است ما آن را بـا شیرینی رمان در میآمیزیم تا خوانندگان تلخی آنرا در نیافته بهتر و آسانتر بپذیرند. یا اینکه بگویند چون رمـان را هر کسی می‌خواند ما پندرا بآن میآمیزیم که کسان بسیاری از پند بهره مند شوند.

ولی دراین جا نیز تیر رمان نویسان بخطا میرود. چه بیشتر رمان هایی که ما دیده‌ایم آنچه ندارد پند است. بسیاری از آنها جز افسانهای بیهوده‌ای نیست. بسیاری هم سر گذشت زنان نابکار و زشت کاری‌های آنان است. بویژه در اروپا که چون هرکاری تنها برای پول گرد آوردن است رمان نویسان هم این کار را وسیله برای پول اندوختن گرفته‌اند و تا می‌توانند بی شرمترین افسانه را می‌بافند که خریدار بیشتر داشته باشند و در همه جا پای زنان نابکار را به میان می کشند و هر گاه مانعی در کارشان نباشد هرسخن زشتی را گفته و هر صورت ننگینی را می نمایند.

یکی ازرمان نویسان معروف آناتول فرانس است. این مرد چه اندرز هایی بجهانیان داده؟ آیا جز سر سام و یاوه بافی از سراسر کتاب‌های او چیزی بدست می‌آید؟! یا دانك چنان قضایه را باخته که هر فصلی از کتابش رنك دیگری دارد. دریك جا داستان راهبان صومعه نشین را که در بیابانها پل بسر میبرده اند سروده یکراستهایی که از ایشان نقل شده (کراماتهایی که ما باور نداریم) رنگ حقیقت میدهد. در جای دیگر سخن را بانکار خدا و دین میرساند. آیا آن کجاو این کجا؟ آیا مقصود این مردجز رواج بی دینی و نابکاری زنان و مردان چیز دیگریست؟! پس کو اندرزیکه او بارمان در آمیخته؟!

الکساندر دوما چه پند هائی بمردم داده؟ آیا جز اینستکه او و رفیقش اناتول در سایه رمانهای خود هزارها بلکه ملیون ها زن و مرد را از پاکدامنی محروم ساخته اند؟!

دیگر آنکه هر کاری در جهان راهی دارد که اگر بجز از آن راه گزارده شود نتیجه بدست نخواهد آمد. پند هم باید بازبان برنده گزارده شود. پندی که باشوخی یا بارمان آمیخته شود دوائی را می‌ماند که با آب انبوه آمیخته باشد واثر خودرا ازدست دهد.

این بهانه رمان نویسان بدان میماند که بدری بهنگامی که بفرزندان خود پند می آموزد وراه زندگانی مینماید پیش از شروع بسخن جست و خیزهائی کرده وچند معلقی بزند ودراثنای گفتگو نیز گاه گاهی دست افشانده ویای بکوبد وعذرش آن باشد که پندرا باهر بی ادا بازی بهم درمی آمیزم تافرزندانم درست گوش فرا دارند واندرزهایم را باندیشه سپارند.

یابعبارت بهتر بدان می‌ماند که لوتی بند بازی دراثنای بازیهای خود که مردم را سر گرم می باید ناگهان زبان به پند گشاده، سخنان حکیمانه بسراید ومقصودش آن باشد که دراینراه به پیشه پست خود رویه دیگری داده وخویشتن را در شمار بزرگان وستودگان جهان جای دهـد. زهی نادانی! بند باز بند باز است اگر هم صد پند سراید.

پند بمردم سرودن یا آنان رابعیبهای خود راه نمودن افسانه نمی‌خواهد. نابکاریها وکامگزاریهای زن نا بکاری را مو بمو باز گفتن خـود مردم را به نابـکاری خواندن است و پند ها تیکه در این میانه سروده شود جز اینکه ازارزش پند بکاهد نتیجه دیگری نخواهد داد. آیا اشعار حکیمانه که مطربان در بزمهای باده گساری وکامگزاری میسرایند جزاینکه ارزش آن اشعاررا کم کند اثر دیگری دارد؟!

هر سخنی رانپند نتوان شمرد. پند آنست که از دل پاکی برخیزد و بازبان پاکی گزارده شود.

از همه این سخنها میگذریم: اگر براستی مقصود درآمیختن پند واندرز با داستان است که خوانندگان باستانی و آسودگی آن پند ها را در یابند برای این مقصود کسی چرا بداستانهای راست تاریخی نپردازد که از هرباره بهتر واثرش فزونتر است؟! اگر کسی آرزومند است که معنی پاکردی و بزرگواری را بمردم یاد دهد چرا تاریخ زندگانی پیغمبر اسلام راچنانکه بوده بازبان ساده برشته نگارش نکشد و در دسترس مردم نگزارد؟ یا اگر آرزومند است که معنی پیشرفت و برتری جهان را بفهماند چرا از چگونگی زندگی در هشت ونه قرن پیش سخن نراند وآن مقصود خود را از بهترین راهی انجام ندهد؟!

اگر کسانی به پیروی اروپائیان شیفته داستانهای اندوهگین ودلگداز ند داستانی دلگداز تر از هجوم چنگیز خان بایران وکشتار های چهار ساله او وکسانش در خراسان وآن سامانها کو؟ کسی چـرا بنگارش داستان آن کشتار ها وخونخواری ها بر نخیزد؟! اگر مقصود سر گذشت دلاوری وپهلوانی است که مردم را بدلیری بر انگیزد کـی چرا سر گذشت سلطان جلال الدین خوارزم شاه وآن ستیزه های شیردلانه او را بامغولان ننویسد؟!

هر گاه کسانی جز بداستانهای اروپایی نمیپردازند و میخواهند زحمت تالیف نکشیده بترجمه بر خیزند چرا تاریخ ناپلئون وسر گذشت واشنگتن را ترجمه ننمایند؟!

حوادث شورش مشروطه ایران با آن ارج تاریخی وآن شیرینی کسی چـرا آنها را برشته نگارش نیاورد تا بـرای آیندگان یادگاری باشد؟! آخر چه اثری در دروغ وافسانه هست که نگارندگان این همه حوادث راست و تاریخی را زیر پا ریخته جز به پیرامون دروغ پردازی و رمان بافی نمیگردانند؟!

به مکه میروید!!!؟

بروید!

آری بروید که جز خدا، خیلی چیز ها بهمراه شماست! آه دل بیوه زنان، ناله گرسنگان، اشك چشم دوشیزگان، دشنام وناسزای جوانان، دست قوی قانون! بروید که خوش میروید! پنبه بیرگی را از گوش در نیارید تا ناله مارا نشنوید، سر برنگردانید تا اشك چشم مارا نبینید. گر چه شنیده و دیده اید و باز میروید! صدای ناله اطفـال همسایه، شما را از خواب باز میداشت و باز هم راه مکه را پیش گرفتید، ازدحام گرسنگان را بر در دکان نانوائی دیدید و اعتنائی نکرده لبی جنبانیدید و رفتید. من چه میگویم؟! مگر که اینها را باین روز سیاه نشانده است؟! که نان رااز دست اینها گرفته است؟! شما - همین شما - آری شما - ویا کاران محتکر، شما گرانفروشان متقلب.

گناهان شما یکی دو تانیست، بشمارم تا بدانید: قاچاقی از مرز خارج میشوید، رشوه میدهید، پول از کشور بطور قاچاق بیرون میبرید، برخلاف مقررات کمیسیون ارز پول خارجی تهیه مینمائید، خوار بار خارج میکنید - امابخشید اینهـارا که شمردم نزد شما گناه نیست. آن دینی را که بشما آموخته اند اینها را گناه نمیداند! وای به شما و پیشرایشانتان، بیچاره ایران و ایرانی - سیه روز توده پریشان اینچنانی

ولی بدانید دست انتقام خداوندی خیلی قوی است - چنان انتقام ازشما گرفته شود که بعدالتش خستوان شوید.

یکی از مرزنشینان آزاده

در بدی تا کجا پیش رفته اند؟!

چنانکه خوانندگان میدانند در تبریز هر سال زمستان برای دستگیری از بینوایان پولی از توانگران گرد آورده می‌شود. امسال نیز آقای استاندار آذربایجان بهمدستی آزادگان پیشگام شدند و باز کوشش آغاز کرداند، وچنانکه تلگرافشان را در پرچم بچاپ رسانیدیم یکصد پنجاه هزار تومان برای این دستگیری فراهم گردانیدند.

لیکن چنانکه گفته میشود کسانی بنام آنکه چرا دیگران پیشگام شده اند یا چرا ما در کمیسیون نیستیم بکار شکنی می کوشند. این سخن که ما میشنویم مایه اندوهی می گردد. زیرا ما ایرانیان را پست اندیشه و آلوده میشناسیم ولی بایـن اندازه گمان نمیبردیم که کسانی در چنین کاری نیز دربند رشك و خودخواهی باشند این شیوه ایرانیا ست که چون چند تنی بیك کوششی پرداختند دیگران نه تنها یاوری برنخیزند. بلکه از راه رشك بدشمنی و کار شکنی پردازند و یا « مانند سازی » نمایند. این شیوه را ما از این مـردم آلوده نیك میشناسیم. لیکن گمان نمی بردیم که در کوشش بدستگیری درماندگان نیز آن شیوه را بکار اندازند.

این رفتار ایرانیان نیك نشان میدهد که یکمردم بی بهره اند. اندازه که از سرفرازی ها بی بهره باشند خودخواهیشان بیشتر خواهد گردید. ای بیچارگان! چرا آن بشما بر نمیخورد که زیر دست و لگد مال بیگانگان شده اید وهیچگونه ارزشی بشما نیگزارند، آن بشما بر نمیخورد که بیست ملیون مردمید و در حساب هیچی نمی باشید. آن بشما بر نمیخورد که صد گونه آلودگیهای رسوا دارید - ولی این بر میخورد که در فلان کمیسیون عضویت نیافته اید؟!

داستان شما داستان گدایان راه نشین است که به بیخ دیواری خزیده و پایندگان و روندگان گردن کج کنند وبطمع دهشاهی صد فرو تنی نشان دهند ولی در میان خود بیکدیگر بزرگی فروشند، گردن کشند، رشك برند، خود ستایی نمایند. این بآن گوید: « چرا سلام ندادی، آخر من از تو ده سال بزرگترم!! » آن باین بر تری فروشد و گوید: « من مثل تو نیستم که بهر کسی دست دراز کنم » . آنهمه پول و توانائی را در دیگران دیده و درشکه و اتومبیل و رختهای شیك آیندگان و روندگان را تماشا کرده هیچی نگویند و حسرتی نکشند ولی همین که یکی از خود شان پیش افتاد و یك دهشاهی پول از کسی گرفت آتش رشك در دلها شان زبانه زند و زبانها، نکوهش و پرخاش باز می‌شود. آن یکی دندان سائیده گوید: « ای پررو باز هم جلو افتادی!!.. » آن دیگری برای شنوانیدن بپول دهنده آواز بلند گردانیده می گوید: و آخر تو مستحق نیستی چرا جلو می دوی؟! ... » بر سر ده شاهی پوست همدیگر را کنند.

شما نیز همانگونه شده اید. آنهمه سرفرازیها و تواناییها را در دیگران می بینید و هیچ نمی گویید: « ما چرا نداریم؟!... ما چرا از آنان پس تر و پست تر باشیم؟! » ولی چون یکتنی از خودتان بیك کاری بر خاست و یك نامی پیدا کرد دیك رشك و خشم در سینه هاتان بجوش می آید و نا آرام می گردید!

هیچ پروا نمیکنید که رشته سر نوشت خود را از دست داده اید و این دیگرانند که باید آینده شما را معین گردانند ولی این بشما بر میخورد که در فلان کمیسیون عضویت پیدا نکرده اید. دریغ ای ایرانیان دریغ! دریغ که در لجنزار پستی فرو رفته اید و این بدتر که سر کج کجیده امیدانید و باجنبهای بیجای خود هر چه فروتر می روید.

از سخن خود بدور نرویم: گفتگو از « کمیسیون دستگیری از بینوایان » تبریز بود. ما از دور ایستاده ایم واز چگونگی آگاه نیستیم ولی از اینکه همراهان ما (آزادگان) بچنین کوششی برخاسته اند خشنودیم. پیشروان آزادگان در تبریز مردانی آزموده و کاردانند واین بیجاست که ما از این دوری راه بآنان نامیم برای جلو گیری از بهانه دیگرانست که می گوییم: اگر مایه آزردگی و رشك دیگران در کمیسیون بودن آزادگانست یاوران ما بیشتر پاکدلی نمایند و جاهای خود را بآنان باز گزارند و کوشش را که خواهند کرد در بیرون کنند.

ما میشنویم چون پولی که زمینه برای گرد آوردنش فراهم گردیده بلغ بزرگیست کسانی آب بدهانهاشان افتاده و اینست میکوشند که خودرا در کمیسیون جا دهند تا بلکه کیسه خودرا پر گردانند. ولی من بآنان پیام می‌فرستم که درکاریکه پای پاك دینان و آزادگان در میان باشد میدانی بچنان بهرهمندی نامشروع باز نخواهد بود و من بیاوران یادآوری می‌کنم که پیش از همه باین موضوع نظارت کنند و ازهر کسیکه طمعی فهمیدند - از بزرگ و کوچك - جلوشان گیرند و باك از کسی ننمایند.

اینها چیزهاییست که ما در تهران می‌شنویم و باشد که هیچ راست نباشد. اما کوشش در تهران برای گرفتن پول از آذربایجانیان اینجا، با نمایندگان گفتگو هایی شده و نتیجه را آگاهی خواهیم داد.

بدی از پیمان

چنانکه نوشته بودیم چون درسال ۱۳۱۲ شماره نخست سال نخست پیمان در آذرماه بیرون آمد ما پیمانیان همه ساله آنروز را نگاه میداشتیم و امسال آنرا «عید» گرفته گفتیم در همه جا نشستهایی برپا نموده ویادی از پیمان و فیروزیهای آن کنند، و اینست در این شماره و در شماره آینده نخستین گفتار آن شماره نخستین را که در باره « رمان » نوشته شده می آوردیم.

میدانم کسانی خواهند گفت: یك ماهنامه چیست که روز بیرون آمدن شماره نخست آن عید باشد. می گوییم: بهتر است این کسان پیمان را بخوانند تا در یابند که آن یك ماهنامه ای همچون ماهنامه های دیگر نبوده و نیست.

پیمان از گام نخست چند قصد بزرگترا دنبال کرده و بهمه آنها فیروز گردیده:

۱) پیراستن زبان فارسی که یك تاریخچه ای دارد و نوشته خواهد شد

۲) نبرد با اروپایی‌گری که آن هم تاریخچه ای دارد و باید هنگامی نوشته شود

۳) نبرد با بیدینی و مادیگری. مادیگری با آنکه درایران رواج فراوان یافته هنوز کمتر کسی معنی آنرا میداند و از چگونگی آن آگاه میباشد. مادیگری بزرگترین گمراهیست که تا کنون در جهان رخ داده و این گمراهیست که همراه دانشها واختراع های اروپائی بهر کجا میرسد در اندك زمانی انبوه مردم را بیدین و بیهمه چیز میگرداند و تغییر در زندگانی آنجا پدید می‌آورد، و باین گمراهی تا کنون پاسخی داده نشده بود و برای نخستین بار پیمان پاسخگویی هایی پرداخت و بهر حال پایه آن را بر انداخت. آری این باور نکردنیست که یك گمراهی که در سراسر جهان رواج یافته و با بودن صد هزاران کشیش و ملا وحاخام و دیگران کسی تا کنون پاسخی بآن نتوانسته، ولی یك ماهنامه‌ای از تهران که هنوز صدیك مردم از انتشار آن آگاه نیستند پاسخهای دانشمندانه استواری بآن داده است.

۴) نبرد با همه کیشهای پراکنده و گمراهیهای گوناگون - چنانکه بارها نوشته ایم درایران نزدیك بپانزده کیش می باشد و پیمان با همه آنهـا به نبرد پرداخته و بهر یکی ایراد های بسیاری گرفته، وتا کنون پاسخی داده نشده، چنانکه نمونه آنها ایراد هاییست که به بهائیان و صوفیان در پرچم گرفته شده وهمه می بینند که پاسخی داده نمیشود.

یکچنین ماهنامه ایست که روز نخست بیرون آمدن آنرا عید میشماریم.

یکی از ستودگی های پیمان است که شش سال آن در زمان پادشاهی رضاشاه بچـاپ رسیده و با آنهمه چاپلوسی که رواج میداشت، وبا آن فشاریکه از سانسور در میان بوده یك جمله ستایش از شاه نبرده در سراسر ماهنامه نیست واگر تاریخ خوزستان را که همراه شماره های سال نخست بچاپ رسیده بحساب نگزاریم، درسراسر ماهنامه یکبار بیشتر نام رضا شاه برده نشده است. باز میگوییم: یك چنین ماهنامه است که روز نخست بیرون آمدن آنرا عیدی گیریم واین کار وابخواست خدا می گنیم.

بمناسبت نشست یکم آبان در تبریز

آقای دهلوی

آقای دهلوی از جوانانیست که با پیمان پیوستگی دارند و پشتیبانی از آن مینمایند

راه رستگاری

کسانیکه از شهرستانها این کتاب را میخواهند می‌توانند با فرستادن ده ریال از پست از دفتر پرچم بخواهند.

گزارش کشور

ملاقات با آقای نخست وزیر

نیم ساعت پیش از ظهر روز گذشته آقای سرریدر بولارد وزیرمختار دولت انگلیس باتفاق آقای اسمیرانف سفیر کبیر دولت شوروی در تهران آقای نخست وزیر را ملاقات نمودند .

در کاخ ابیض

روز گذشته قبل از ظهر کمیسیونی مرکب از آقایان وزیران پست و تلگراف و بازرگانی و پیشه و هنر و راه تشکیل گردید .

جلسه فردا

امروز پیش از ظهر جلسه علنی مجلس شورای ملی تشکیل و لوایح متمم بودجه و سایر لوایح حاضر مورد بحث و تصویب قرار خواهند گرفت .

مراجعت از اراك

آقای شریدان مستشار وزارت خواربار که باتفاق آقای اسدی برای رسیدگی به شکایات صاحبان املاك اراك راجع بمازاد به آنجا رفته بودند پریشب به تهران وارد شدند .

بودجه وزارت بهداری

پیش از ظهر روز گذشته کمیسیون بودجه بریاست آقای ملك مدنی باحضور آقای وزیر بهداری و مدیر کل آن وزارت خانه تشکیل و بودجه آن وزارتخانه مورد رسیدگی و تصویب قرار گرفت .

اخبار سنقر و کلیائی

۱ آقایان حسین عبادی و علی آقا فتح‌اللهی که قصاب عمده بودند طبق قانون باداره شهرداری سپرده بودند اخیرا امور قصابی مختل و گوشت نایاب آقای عزت‌الله خان امیری فرزند آقای نادعلی خان امیری رئیس حفظ انتظامات شهر صادر امور قصابی مواظب معلوم شد آقایان نامبرده گوسفندها را (با احتیاج مفرط اهالی) محرمانه بنقاط دیگر فرستاده با قیمت گران بفروشند قضیه کشف آقایان ۷۰۰ ریال بعنوان رشوه برای مشارالیه میفرستند فوراً مبلغ نامبرده را به بینوایان تخصیص بدهد پرونده بوسیله شهرداری بمقام صلاحیتدار احاله شود — چنانچه سایر مامورین این جوان نوع پرست تامین و منافع مردم را مقدم بر منافع شخصی بدانند امیداست جلوگیری از تقلبات بشود .

از گلپایگان

از گلپایگان خبر میدهند که شورای شهرستان در فرمانداری تشکیل شد و مذاکراتی در باب این مسائل بعمل آمد، چون چندیست در گلپایگان مؤسسه بنام بنگاه مدیر برای دستگیری به فقرا و مستمندان تحت نظر و مراقبت آقای حجت‌الاسلام آخوند ملامحمد جواد صافی تاسیس گردیده مقداری گندم وجو برای این منظور جمع آوری شده آقای فرماندار پیشنهاد کردند، بلغی هم بایدروسای ادارات کمك نمایند .

آقای فرماندار ۲۰۰ ریال و رئیس پست و تلگراف و رئیس بانك ملی هریك ۱۵۰ ریال و سایر روسا هم هریك ۱۰۰ ریال پرداختند که به بنگاه نامبرده فرستاده شود و ضمنا آقای رئیس دارائی تعهد کردند که کارمندان اداره دارائی روی هم یك هزار ریال کمك کنند در ضمن پیشنهاد شد که نام دهستان اره به شهاب تبدیل شود و قرار شد برای تصویب به مرکز گزارش شود

خبر دیگر حاکی است که شرکت برنج شهرستان گلپایگان در نتیجه جدیت رئیس خواربار با سرمایه یکصد و چهل هزار ریال که هر سهمی هزار ریال است تاسیس شد و قریبا هیئت عامله آن انتخاب و تقاضای ارسال سهمیه از شرکت کل برنج خواهد شد .

ساختمان بیمارستان

از گلپایگان خبر میدهند که چون بنگاه خیریه گلپایگان در صدد برآمده است ساختمانی برای بیمارستان گلپایگان شروع کند فرماندار و روسای ادارات و جمعی از محترمین شهر در باغ جوادی جلسه‌ای تشکیل داده و آقای اعتمادی رئیس ثبت شرح مبسوطی در باره نتایج این اقدام خیر بیان کرده و تصمیماتی گرفته اند .

ورود بازرس مخصوص

از کاشان خبر میدهند که دو روز قبل آقای کشاورز صدر بازرس مخصوص وزارت دادگستری بکاشان آمده مشغول بازرسی است . خبر دیگر حاکی است که در اداره خواربار فرماندار و دادستان و رئیس دارائی کمیسیونی برای تعیین اشخاصی که احتکار کرده اند تشکیل داده‌اند .

کشف احتکار

از رامیان جزء شهرستان گرگان اطلاع میدهند که آقای بخشدار برای کشف احتکار مشغول اقدام می باشند و در انبار حبیب نیك نژاد بقال درحدود چهل کیسه شالی کشف شده و قرار است که تحت نظر کمیسیون بنرخ قانونی بین نیازمندان تقسیم کنند .

ورود بازرس کشاورزی

ازرامسر اطلاع میدهند که آقای جعفر مدنی بازرس کل وزارت کشاورزی در منطقه شمال وارد و مشغول کار شده اند .

تازه‌ترین خبر ها

جبهه خاور — اساس اقدامات متفقین در هفته اخیر و پیاده کردن نیرو در شمال افریقا و حملات ژنرال الکساندر در لیبی و شکست و عقب نشینی نیروی رمل و رسیدن فصل زمستان اصولی هستند که باعث و موجب آن شده اند که ترازوی طبیعی این نبرد تاریخی جهان برهم خورده و موازنه آن دگر گون شود .

در جبهه خاور بطور کلی غیر از منطقه جنوبی قفقاز در سرتاسر آن آرامش جدیدی حاصل شده و بجز زد و خورد های مختصر گشتیها و هجومهای مختصری که عناصر مقدم اعمال مینمایند فعالیت دیگری مشاهده نمیشود .

در نالچیك وارجونیکیدور بین طرفین زد و خورد های سختی وقوع یافته و بطوریکه خبر گزاری شوروی اعلام میدارد حملات سخت نیرو های محور عقیم مانده و بدشمن تلفات سختی وارد آمده است .

جبهه لیبی — نه متفقین و نه محوریها هیچکدام اعلامیه مشروحی دائر بر عملیاتی که در این جبهه اتفاق میافتد انتشار نداده بلکه تنها بذکر فعالیت های حاله یا تعداد اسرای دستگیر شده و ادوات منهدمه اکتفا مینمایند .

هنوز بطوریکه اطلاع صحیحی رسیده تماس جدیدی بین نیرو های دوطرف حاصل شده و نیروی محور در پی یافتن فرصت برای تشکیل خط دفاعی و نیروی انگلیس برای نابود نمودن طرف کوشش مینمایند .

جبهه افریقای شمالی فرانسه — انگلیسها در اعلامیه خود خاطر نشان مینمایند که قسمت مهمی از خاك تونس را بتصرف آورده و با نیرو های محور داخل کارزار شده اند و از طرفی علاوه مینمایند که آلمانها بی‌دربی با هوا پیما نیرو های کمکی و مهمات و تانکهای سبك ۱۲ تنی باین نقطه وارد مینمایند .

هنوز شرحی از زد و خورد مهم طرفین نرسیده ولی آنچه که پیداست و مورد نهایت دقت است روشن است که حکومت اسپانیا در مقابل این جریانات اتخاذ خواهد نمود .

کوشش‌های سیاسی

بطوریکه خبر رسیده دولت اسپانیا بیادداشت دولت انگلیس راجع بموقعیت انگلستان در افریقای شمالی پاسخ داده که اظهارات دولت انگلیس را با ابراز حق شناسی تصدیق و قبول مینماید .

دریابان « ویلیام هلسی » فرمانده نیروی دریائی امریکا متمرکز در جنوب اقیانوس کبیر بدرجه دریا سالاری و سرتیپ « جیمزدولیتل » فرمانده نیروی هوائی امریکا اعزامی بافریقای شمالی بدرجه سرلشکری و دریا دار هویت فرمانده نیروی دریائی اعزامی بافریقای شمالی بدرجه دریابانی ارتقا یافته اند .

وندل ویلکی شب شنبه اظهار داشته است که انگلیسها در عملیات کنونی افریقای شمالی وظایف خودرا انجام میدهند .

نامبرده طی نطقی که در انجمن تعاون زمستانی انگلیس ایراد نمود نسبت به انگلیسها فوق‌العاده اظهار احترام و قدردانی کرده آنها را مدافعین بزرك آزادی معرفی کرده چنین گفت :

من با کمال افتخار میتوانم بگویم وظایفی را که اکنون نیرو های ما در افریقای شمالی انجام میدهند نتیجه لیاقت و کاردانی ژنرال مونت گمری در جنك العلمین میباشد که در آغاز ماه سپتامبر صورت گرفته و زمینه را برای موفقیت نیرو های ما فراهم ساخت . ویلکی ضمنا از شهامت و جسارت بی نظیر انگلیسیها در طی جنك ۱۹۴۰ و همچنین از مراتب ارزش و لیاقت روسها تعریف و تمجید کرد .

نظری به مجلس و دولت

پس از آنکه صبح شنبه آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی برای بحث و مذاکره در باره جریان اخیر امور کشوری و گرفتاریهای جدیدی که براثر تاریکی اوضاع مالی پیش آمده وایجاد سوء تفاهماتی بین دولت و مجلس نموده بود ، جلسه خصوصی تشکیل دادند قرار شد عصر همان روز با حضور آقای نخست وزیر و هیئت دولت جلسه علنی تشکیل و تقاضای لایحه اختیارات و لایحه انتشار اسکناس مورد شور قرار گیرد .

عصر همانروز نیز جلسه خصوصی تشکیل و ساعت ۲۲ با حضور آقای قوام و هیئت دولت جلسه علنی مجلس شورای ملی تشکیل و لوایح نامبرده قرائت گردید .

پس از قرائت بیانیه و نطق مفصلی که آقای نخست وزیر ایراد نمودند لایحه مربوط به پشتوانه اسکناس متضمن ه ماده قرائت گردید . قرار شد لایحه اول راجع بتقاضای اختیارات به کمیسیون رفته و با دقت مورد بررسی واقع شود .

آقای دشتی هم طی نطق مفصلی اظهار داشتند بهتر است بجای این ریالها بعوض آنکه زر بدهند مقدار معینی هم مثلا صدی چهل گندم بدهند . آقای دکتر ملکزاده هم شرحی مبنی بر اقداماتیکه تا کنون بر اساس همکاری با متفقین بعمل آمده است اظهار و لزوم انجام اقدامات مشترکه بین ایران و متفقین را متذکر گردیدند . به پنج ماده لایحه بدون ورقه با قیام وقعود رأی گرفته و تصویب شد . آقای نخست وزیر در پایان جلسه شرحی مبنی بر تشکر از حسن نیت و امیدواری به ادامه این همکاری بین دولت و مجلس اظهار و ساعت ۲۴ جلسه پایان یافت .

آگهی اختصاصی

چون تحدید حدود ۱ قطعه زمین بمساحت ۳۹۹٫۸۵ مترجزء پلاك ۵۸۷۶ بخش ۲ از اراضی مورد تقاضای شهرداری که بعدا بآقای داریوش و بانو نزهت‌الملوك انتقال قطعی یافته است بعمل نیامده

واز طرفی هم طبق ماده ۱۵ قانون هم نمیتوان عمل نمود

لذا برحسب تقاضای کتبی ایشان عملیات تحدیدی درروز ۲۴٫۹٫۲۱ ساعت ۴ قبل از ظهر الی ظهر در محل شروع و بعمل خواهد آمد

بدین‌وسیله بمالك و مجاورین آگهی میشود که در روز و ساعت مقرر درمحل حضور بهمرسانند

تاریخ انتشار ۳۰٫۸٫۲۱

ش — ۱۲۳۴

رئیس بخش شمال ثبت املاك تهران

آگهی اختصاصی

چون تحدید حدود ۱ قطعه زمین به مساحت ۲۴۷٫۶۶ متر جزء پلاك ۵۸۷۶ بخش ۲ ازاراضی شهرداری که بعداً به بانو پری جهان و آقای داریوش انتقال قطعی یافته است بعمل نیامده

از طرفی هم طبق ماده ۱۵ قانون هم نمی توان عمل نمود

لذا بر حسب تقاضای ایشان عملیات تحدیدی در روز ۲۱/۹/۲۴ ساعت ۴ قبل از ظهر الی ظهر در محل شروع و بعمل خواهد آمد

بدین وسیله بمالك و مجاورین آگهی میشود که در روز و ساعت مقرر درمحل حضور بهم رسانند ش ۱۲۳۳

تاریخ انتشار ۲۱/۸/۳۰

رئیس بخش شمال ثبت املاك تهران

آگهی اختصاصی

چون تحدید حدود ۱ قطعه زمین مشجر محصور بپلاك ۳۹ و ۶۷۳۵ بخش ۲ مورد تقاضای آقای سروات رضاقلی «سوار» بعمل نیامده است

واز طرفی هم طبق ماده ۱۵ قانون هم نمی توان عمل نمود

لذا بر حسب تقاضای کتبی ایشان عملیات تحدیدی در روز ۲۵ و ۹ و ۲۱ ساعت ۴ قبل از ظهر الی ظهر در محل شروع و بعمل خواهد آمد

بدین وسیله بمالك و مجاورین آگهی می شود که در روز وساعت مقرر درمحل حضور بهمرسانند

تاریخ انتشار ۲۱ / ۸/۳۰

ش — ۱۲۳۵

رئیس بخش شمال ثبت املاك تهران

آگهی مزایده

یك نیمه بهر زمین مزروعی ملك مشهور بچهار پاره و نصف نیمه بهر زمین برنج کاری مشهور بزمین چال وسه دانك مشاع از تمام ششدانك زمین مزروعی دیم مشهور بزمین بان آبکه واقعات در میداود جزء خالصی حومه رامهرمز ملکی مرحوم علی پناه صالحی که به ثبت گذاشته نشده ودر اجاره کسی هم نمی باشد طبق ماده ۳۴ قانون اصلاحی برای استیفاء طلب آقایان حاجی عبدالحسن امین وشکرالله روغنی در روز ششم آذرماه ۱۳۲۱ دوساعت قبل از ظهر در شعبه اجراء این اداره بطور مزایده فروخته میشود ومزایده ازمبلغ ۱۵۴۰ ریال ... با ضمام زیادت و دیر کرد نسبت باصل دین وهزینه مزایده و نیم‌عشر دیوانی و مالیات حراج شروع میشود (مالیات حراج نسبت بمازاد طلب بستانکار بعهده خریدار است) طالبین میتوانند در روز وساعت مقرر درمحل مزایده حاضر ودر خرید شرکت نمایند این آگهی در ظرف ۲۰ روز سه نوبت منتشر خواهد شد . تاریخ انتشار آگهی نوبت اول — نوزدهم آبانماه ۱۳۲۱

رئیس ثبت رامهرمز — محمود داودی — ش ۱۱۷۹

آگهی مزایده مجدد

شماره ۶۹۵۳٫۸۷۴۵ — ۱۷٫۷٫۲۱ — کلاسه شرطی ۲۰/۱۷

نظر باینکه آگهی مزایده شماره ۱۲۳۱۹٫۱۰۵۳۴—۷٫۱۰٫۲۰ برابر ماده ۳۴ اصلاحی منتشر شده بود در صورتیکه ارزیابی ملك مورد مزایده قبل از لازم الاجراء شدن قانون جدید قطعی شده بود لذا آگهی میدهد .

ششدانك یکباب خانه واقعه در بوحمید بمشیر آبادان که تا کنون به ثبت عمومی گذارده نشده ودراجاره رسمی هم نیست ملکی آقای سلمانی دریس سلمانی در قبال طلب آقای علی محمد نژادیان طبق ماده ۳۴ قانون سابق ثبت در ساعت سه قبل از ظهر روز هشتم آذر ماه ۱۳۲۱ دوساعت قبل از ظهر بمزایده گذارده میشود و مزایده از مبلغ ۴۹۲۲٫۸۰ ریال شروع خواهد شد — طالبین میتوانند درروز و ساعت مقرره در بالا در جایگاه نامبرده حاضر و در خرید شرکت نمایند این آگهی ظرف بیست روز سه نوبت منتشر میشود . تاریخ انتشار آگهی نوبت اول نوزدهم آبانماه ۱۳۲۱

ش ۱۱۸۰ — رئیس ثبت آبادان و خرمشهر — روح‌الله کیا — ۳ — ۲

جای اداره — لاله‌زار کوچه مهران

تلفون — ۶۰۳۶ تك شماره درهمه‌جا ۵۰ دینار

« چاپخانه تجدد ایران »

آگهی مزایده

شماره ۲۴۰۰

یك سهم مشاع از ۵۰ سهم ششدانك یکقطعه باغ بلاك شماره ۸۲۲ فرعی از ۳۴۵ اصلی واقع در قصبه برغان بانضمام سه هفتم از یك سهم مشاع از ۵ سهم ششدانك ۱ قطعه باغ بلاك شماره ۸۱۸ فرعی از ۳۴۵ اصلی واقع در قصبه برغان ساوجبلاغ بخش کرج ملکی آقای منصور خدابنده لو به ثبت رسیده است ودراجاره هم نمیباشد طبق مقررات در روز شنبه ۳۰ آبان ۱۳۲۱ دو ساعت قبل از ظهر در شعبه ثبت کرج بطور مزایده بفروش میرسد طالبین میتوانند در روز مزبوردر خرید شرکت نمایند وحراج از مبلغ ۱۴۷۵٫۴۰ ریال شروع خواهد شد .

مالیات برحراج نسبت به مازاد بستانکار تعلق گرفته و بعهده خریدار است

تاریخ انتشار دوشنبه یازدهم آبانماه ۱۳۲۱ .

ش ۱۱۶۴ — ۲-۳ — رئیس ثبت کرج شیخ الاسلامی

اگهی مزایده

شماره ۶۳۳۷ — ۸٫۷٫۱۳۲۱

ب ۳٫ | ۳۱۱ — شماره‌حساب ۹۰۱۶ — ۲۹٫۵٫۲۱

۳ دانك مشاع از ششدانك یکباب خانه جدیدالاحداث واقع در تهران بخش ۶ جنب دروازه غار بلاك شماره ۲۵۷٫۲۵۳۷ با کافه توابع و لوازم قدر الحصه ملکی بانو ترنج برق که بثبت رسیده در اجاره نمیباشد .

در تاریخ ۱۱٫۹٫۳۲۱ ساعت ۳ قبل‌از ظهر در شعبه ۳ اجرای ثبت تهران بمزایده فروخته میشود .

ومزایده ازمبلغ ۱۹۸۲٫۴ ریال شروع خواهدشد .

تاریخ انتشار ۲۱٫۸٫۳۲۱ — ش ۱۱۹۷

رئیس شعبه ۳ اجرای ثبت تهران — عدل

آگهی
از طرف اداره کل شهربانی

پیرو آگهی منتشره راجع به ثبت و شماره گزاری وسائط نقلیه موتوری وبشماره ردیف ۲۲ که برای انجام آن تا ۱۵ آبان ماه جاری تعیین وقت شده بود برحسب اجازه صادره از مقام نخست وزیری مدت آن تا آخر آبان ماه ۱۳۲۱ تمدید میگردد بنا بر این صاحبان وسائط نقلیه موتوری که تا کنون موفق به تجدید شماره نشده اند لازم است تا قبل از انقضای مدت معینه (تا آخر آبان ماه ۱۳۲۱) وسائط نقلیه خود رادر مرکز بانجمن آزمایش واقع در خیابان شاه رضا ودر شهرستانها بشهربانی های زیر « مشهد — رشت — تبریز — شیراز — اصفهان — اهواز کرمان — کرمانشاهان — ساری — همدان » که مجاز بشماره گزاری می باشند برای تجدید شماره بسال ۲۲ معرفی نمایند در صورت مسامحه پس از انقضای مدت از حرکت وسائط نقلیه ممانعت وبا متخلفین طبق مقررات مربوطه عمل خواهد شد

ش — ۱۱۷۴ — ۱—۳ — اداره کل شهربانی

اگهی مناقصه مال غیر منقول

کلاسه ۱٫۲۳٫۱۳۲۱

دو سهم مشاع از هفتم بیست وچهار سهم ششدانك یك باب آسیاب معروف بآسیاب سبز آب واقعه در مزرعه حسین آباد حومه دزفول ملکی علی سالونی که بثبت عمومی گذارده شده ودر اجاره نیست در قبال طلب آقای غلامعلی نغاری در روز بیست وششم آبان ماه ۱۳۲۱ دوساعت قبل از ظهر در اجراء ثبت دزفول بسر طبق مقررات ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت بمزایده گذارده خواهد شد و مزایده از مبلغ ۶۸۲۱ ریال که بابت اصل معامله وخسارت دیر کرد نسبت باصل وجه و حقوق اجرای وهزینه مزایده ومالیات حراج است آغاز میشود (مالیات حراج نسبت بمازاد طلب بستانکار بعهده خریداراست) طالبین میتوانند در روز و ساعت معینه در بالا حاضر ودر خرید شرکت نمایند این آگهی در ظرف بیست روز سه نوبت منتشر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول آگهی هفتم آبانماه

ش — ۱۱۵۸ — ۲—۳ — رئیس ثبت دزفول مقتدری

آگهی مزایده

شماره ۷۵۹۸ — ۲۱٫۷٫۲۱

شماره حساب ۱۰۷۹۵-۲۶٫۶٫۲۱ — ش ۳-۲۹۲

۱ - ششدانك یکقطعه زمین که فعلا یك یکباب عمارت تحتانی و فوقانی و شش باب مغازه جدیدالبناء متصلات بهم است بمساحت ۲۳۴ متر و ۷ دسیمتر مربع شماره ۳۳ الی ۳۹ از ۵۸۷۶ واقع در تهران دروازه دولت خیابان شاهرضا که به ثبت رسیده و در اجاره رسمی نیست .

۲ - ششدانك ۱ قطعه زمین که فعلا یکباب گاراژ و ده باب مغازه شده شماره ده فرعی از ۵۱۴۱ واقع در تهران بخش ۵ قنات آباد خیابان سی متری نظامی ملکی آقای میرآقا شعلی که به ثبت رسیده و از قرار ماهی ۲۸۰ ریال در اجاره میباشدومدت اجاره در تاریخ ۱۲٫۱۰٫۲۱ بسر میرسد

در تاریخ ۱۰٫۹٫۲۱ یکساعت و نیم قبل از ظهر در شعبه ۳ اجرای ثبت تهران بمزایده فروخته میشود

و مزایده از مبلغ ۱۶۷۷۳۷٫۲۵ ریال شروع میشود

مالیات حراج نسبت به مازاد طلب بستانکار بعهده خریدار است

تاریخ انتشار ۲۰٫۸٫۳۲۱ — ش ۱۱۸۷

رئیس شعبه ۳ اجرای ثبت تهران — عدل

آگهی مزایده

شماره ۸۷۶۹ — ۳۰٫۷٫۲۱

شماره حساب ۱۲۵۴۳—۱۹٫۷٫۳۲۱ — ك/۳-۱۰۹

سه‌دانك‌مشاع ازششدانك ۱ باب‌خانه و ۲ بابدکان جدیدالبناء متصل بیکدیگر واقع در بخش ۲ مقابل حمام عشرت آباد قرب باغ معینیه جزء پلاك شماره ۶۷۵۷ ملکی وارث مرحوم ابراهیم کاهید هاسم‌فرد که درجریان ثبت است و در اجاره رسمی نمیباشد .

در تاریخ ۱۶٫۹٫۳۲۱ سه ساعت قبل از ظهردر شعبه ۳ اجرای ثبت تهران بمزایده فروخته میشود .

ومزایده از مبلغ ۵۶۹۱ ریال‌شروع خواهد شد .

مالیات حراج نسبت بمازاد طلب بستانکار بعهده خریدار است .

تاریخ انتشار ۲۶٫۸٫۲۱ — ش — ۱۲۱۴

رئیس شعبه ۳ اجرای ثبت تهران — عدل

آگهی مزایده

شماره ۸۲۸۳ — ۱۸٫۷٫۱۳۲۱

شماره حساب ۱۱-۶٫۷٫۱۳۲۱ ۸۳ — ۳/۳-۱۶۵۹

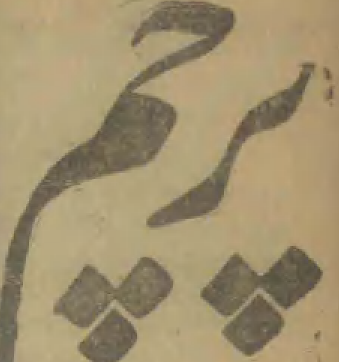
یکدانك مشاع از ششدانك ۱قطعه زمین به مساحت ۲۲۵ متر مربع که بصورت یکبابخانه درآمده است پلاك شماره ۲۸۱ فرعی از ۶۷۳۶ واقع در تهران بخش ۲ ملکی بانو خدیجه میر فتاح قزوینی که بثبت رسیده و در اجاره نیست.

در تاریخ ۱۰٫۹٫۱۳۲۱ ساعت ۳ و نیم قبل از ظهر در شعبه ۳ اجرای ثبت تهران بمزایده فروخته می شود .

ومزایده از مبلغ ۳۴۲۶٫۲ ریال شروع خواهد شد .

مالیات حراج نسبت بمازاد طلب بستانکار بعهده خریدار است .

ش ۱۱۸۹ تاریخ انتشار ۲۰٫۸٫۱۳۲۱ رئیس شعبه ۳ اجرای ثبت تهران — عدل



گزارش هفتگی

۱ - سرنوشت نیروی رومل در لیبی چه خواهد بود ؟